

بررسی و تحلیل شناختی بر اسناد، معاهدات و سازمان های حقوق بشر با مذاقه در ایرادهای وارده بر کمیسیون حقوق بشر

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۴/۱۰)

درنا احمدی دارانی

چکیده

اصطلاح «اسناد» یکی از متداول ترین اصطلاحاتی است که در حوزه حقوق بشر به طور گسترده ای به کار گرفته می شود. اصطلاح مزبور در این حوزه اغلب در قالب ترکیبی «اسناد حقوق بشر» (Human Rights Documents/ Instruments) مورد استفاده قرار می گیرد. در بحث از منابع حقوق بشر و به ویژه منابع بین المللی حقوق بشر با عبارت «اسناد بین المللی حقوق بشر» بیشتر مواجه می شویم. زیرا بی شک یکی از مهمترین منابع بین المللی بشر را می توان اسناد بین المللی دانست که در راستای به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های اساسی تدوین و به تصویب رسیده اند. اسناد بین المللی حقوق بشری را بر مبنای گستره ای شمول آنها و پوشش حمایتی نسبت به حقوق تمامی انسان ها به اسناد بین المللی حقوق بشری عام و اسناد بین المللی حقوق بشری خاص می توان تقسیم نمود. برخی از اسناد بین المللی حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسط دولت ایران امضاء و قبل از انقلاب اسلامی به تصویب مجلسین رسیده و برخی نظیر کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت کشتار دسته جمعی (ژنوساید) و... نیز توسط دولت جمهوری اسلامی ایران امضاء و به تصویب رسیده است

واژگان کلیدی: اسناد بین المللی، حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، معاهدات بین دولت ها، کمیسیون حقوق بشر

بخش اول: کلیات

اسناد بین‌المللی حقوق بشر عبارتند از معاهدات و سایر متون بین‌المللی که به عنوان منابع قانونی برای حقوق بشر بین‌المللی و حفاظت از حقوق بشر در نظر گرفته می‌شوند. انواع مختلف اسناد بین‌المللی حقوق بشر وجود دارد و بسیاری از آن‌ها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد.

بیانیه‌ها: که توسط اعضای سازمان ملل متحد به تصویب رسیده‌اند و به لحاظ قانونی لزومی برای آنها وجود ندارد و معمولاً دارای یک بسیار خاص هستند که با یک روندی طولانی همراه است و اغلب به تصویب قانون گذاری هر ایالت نیاز دارد.

توصیه‌ها: که شامل برخی از توصیه‌هایی هستند که مشابه رسوم قراردادی می‌باشند که پذیرفته شده‌اند، با این حال نمی‌توان آنها را تصویب کرد و برای تعیین استانداردهای معمول بکار می‌روند. همچنین ممکن است دستورالعمل‌های اجرایی وجود داشته باشد که توسط دولت‌ها و همچنین در اساسنامه دادگاه‌ها و یا دیگر موسسات مورد توافق قرار گرفته است. یک نسخه خاص یا اصل از هر یک از ابزارهای بین‌المللی مختلف می‌تواند در طول زمان به جایگاه قانونی بین‌المللی دست یابد که به طور خاص توسط دولت پذیرفته شده است. ابزارهای بین‌المللی حقوق بشر را می‌توان به ابزارهای جهانی تقسیم کرد که در آن هر کشوری در جهان می‌تواند یک حزب و یا سازه‌ای منطقه‌ای که محدود به ایالات در یک منطقه خاص از جهان است، باشد.

بخش دوم: بررسی و شناخت اسناد بین‌المللی حقوق بشر با مذاقه در اهداف آن‌ها

اسناد بین‌المللی حقوق بشری را بر مبنای گستره‌ی شمول آنها و پوشش حمایتی نسبت به حقوق تمامی انسان‌ها به اسناد بین‌المللی حقوق بشری عام و اسناد بین‌المللی حقوق بشری خاص می‌توان تقسیم نمود. اسناد بین‌المللی عام حقوق بشری آن دسته از اسنادی هستند که گروه‌های خاصی را مدنظر نداشته و به حقوق همه انسان‌ها صرف نظر از تعلقات عرضی همچون جنسیت، مذهب، تابعیت و... می‌پردازد، نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸).

در مقابل این دسته از اسناد، اسناد بین‌المللی حقوق بشری خاص قرار دارند که گروه‌های

خاصی را مورد پوشش حمایتی خود قرار می‌دهند. این اسناد در گروه‌های متنوعی قابل طبقه‌بندی هستند؛ زنان، پناهندگان، کودکان، مردمان بومی، اقلیت‌ها، معلولین، کارگران مهاجر، زندانیان و... از جمله گروه‌هایی هستند که موضوع این دسته از اسناد حقوق بشری قرار می‌گیرند. هر یک از این دو دسته اسناد از حیث ماهیت سندی، گاهی به صورت الزام آور و تحت عناوینی چون میثاق (Covenant) و کنوانسیون (Convention) یا معاهده (Treaty) تنظیم می‌شوند و گاهی هم به اقتضای ماهیت ویژه حقوق بشری به صورت اسنادی غیر الزام آور تحت عنوان اعلامیه‌ها (Declarations) تدوین و تصویب می‌گردند. باید توجه داشت که اسناد مزبور گاهی دارای موضوع اختصاصی بوده و به طور خاصی به یک حق یا یک دسته از حقوق می‌پردازند و گاهی هم موضوعی عام را شامل شده و حقوق و آزادی‌های متنوع و مختلفی را شامل می‌شوند. در این بخش به معرفی اجمالی بعضی از اسناد بین‌المللی حقوق بشر و اهداف آنها می‌پردازیم.

بند اول: منشور ملل متحد (۱۹۴۵)

این سند نخستین سند بین‌المللی حقوق بشر جدید محسوب می‌شود که در قالب یک مقدمه و ۸۵ ماده تدوین یافته و به تصویب رسیده است. در ماده ۱ آن که اهداف سازمان ملل بیان شده، تشویق و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان به عنوان یکی از اهداف سازمان ملل بیان گردید. همچنین تعهدات اساسی سازمان ملل و دولت‌های عضو برای دستیابی به این اهداف در مواد ۵۵ و ۵۶ منشور آمده و بند ۱ ماده ۱۳ و بند ۲ ماده ۶۲ و ماده ۶۸ منشور نیز به حقوق بشر پرداخته و مجمع عمومی و شورای اقتصادی-اجتماعی را موظف به انجام مطالعات و تشکیل کمیسیون‌ها و ارایه توصیه‌هایی در جهت تحقق حقوق بشر نموده است.

بند دوم: اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ با رای مثبت ۴۸ دولت از ۵۶ دولت عضو سازمان ملل طی قطنامه A ۲۱۷ بدون هر گونه رای مخالف و با ۸ رای ممتنع به تصویب رسید. این سند نخستین اعلامیه فراگیر حقوق بشر است که از سوی سازمان بین‌المللی اعلام

شده و طبعاً موقعیت معنوی و سیاسی ممتاز و مهمی به دست آورده است. اعلامیه مزبور مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده بوده و بیانگر تفاهم مشترک ملت‌ها درباره حقوق و آزادی‌های اساسی انسان است که همواره باید مورد توجه، آموزش، احترام و عمل قرار گیرد.

بند سوم: میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی

میثاق مزبور مشتمل بر یک مقدمه و ۳۱ ماده بوده در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ طی قطنامه A ۲۲۰۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده و وفق ماده ۲۷ آن پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق از سوی دولت‌ها به دبیر کل سازمان ملل در ۳ ژانویه ۱۹۷۶ لازم الاجرا شد. این سند فهرست جامع تر و طولانی تری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر در بر دارد. میثاق علاوه بر آنکه فهرستی از حقوق را بیان کرده، آنها را تعریف و تشریح نموده و اقداماتی را که باید در جهت دستیابی به آن حقوق انجام داد نیز مطرح کرده است. مکانیزمی که برای نظارت بر اجرای مقررات میثاق از سوی دولت‌ها پیش بینی شده بود، تقدیم گزارش به دبیر کل سازمان ملل بود. اینک کمیته‌ای به نام کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گزارش‌های ادواری دولت‌ها را بررسی و نظرات ملاحظات خود را اعلام می‌نماید.

بند چهارم: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

این میثاق به موجب قطنامه A ۲۲۰۰ در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده و مطابق ماده ۴۹ آن پس از گذشت سه ماه، از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق از سوی دولت‌ها به دبیر کل سازمان ملل در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم الاجرا شد. این میثاق مشتمل بر یک مقدمه و ۵۳ ماده بوده و فهرستی جامع تر و بیشتر از حقوق مدنی و سیاسی را در مقایسه با اعلامیه جهانی حقوق بشر در بر دارد. نظارت بر اجرای مقررات میثاق مزبور بر عهده کمیته‌ای به نام کمیته حقوق بشر است که بخش چهارم میثاق از ماده ۲۸ تا ۴۵ به چگونگی تاسیس این کمیته و وظایف و اختیارات آن پرداخته است.

الف) پروتکل اول اختیاری

پروتکل اول اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: این پروتکل همزمان با تصویب میثاقین و با قطعنامه ۲۲۰۰ A به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ قدرت اجرایی پیدا کرد. منظور از تدوین آن اعطای امکان طرح شکایت به افراد خصوصی از دولت‌های متبوعشان دایر بر نقض حقوق به رسمیت شناخته شده آنها در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به کمیته حقوق بشر بوده است.

ب) دومین پروتکل اختیاری

دومین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۸۹): این سند در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و در ۱۱ ژانویه ۱۹۹۱ با تودیع دهمین سند الحاقی یا تصویب لازم الاجرا گردید. این پروتکل به عنوان مقررات الحاقی به میثاق محسوب می‌شود که هدفش لغو مجازات اعدام بوده و دولت‌های عضو میثاق که پروتکل مزبور را تصویب نمایند باید مجازات اعدام را در کشورشان لغو نمایند.

بند پنجم: منع و مجازات کشتار دسته جمعی

کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی (ژنوساید) (۱۹۴۸): این سند بین المللی در ۹ دسامبر ۱۹۴۸ با قطعنامه ۲۶۰ A مجمع عمومی سازمان ملل تصویب و وفق ماده ۱۳ آن پس از گذشت ۹۰ روز از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق در ۱۲ ژانویه ۱۹۵۱ قدرت اجرایی پیدا کرد این نخستین سند ماهوی حقوق بشری است که مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسانده بود. کنوانسیون مزبور شامل یک مقدمه و ۱۹ ماده بوده که در آن ژنوساید را به عنوان یک جرم بین المللی محسوب نموده و دولت‌های عضو را متعهد ساخته تا از آن جلوگیری نموده و مرتکبین را مجازات نمایند (ماده یک).

بند ششم: محو هر نوع تبعیض نژادی

کنوانسیون بین المللی محو هر نوع تبعیض نژادی: این کنوانسیون در ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ طی قطعنامه (XX) ۲۱۰۶ A به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و مطابق ماده ۱۹ سی

روز پس از تودیع بیست و هفتمین سند تصویب یا الحاق آن در ۴ ژانویه ۱۹۶۹ قدرت اجرایی پیدا نمود. کنوانسیون شامل یک مقدمه نسبتاً طولانی و ۲۵ ماده بوده و ماده ۱ آن تبعیض نژادی را تعریف و ماده ۲ نیز دولت‌های عضو را متعهد نموده که تبعیض نژادی را محکوم نموده و بدون تاخیر از طریق مقتضی سیاست محو انواع تبعیض نژادی و برقراری تفاهم ملی را به مرحله اجرا گذارند. برای نظارت بر اجرای مقررات کنوانسیون مزبور کمیته‌ای به نام کمیته رفع تبعیض نژادی مرکب از ۱۸ عضو کارشناسی عالی رتبه و دارای صلاحیت بالای اخلاقی تشکیل شد که وظیفه مهم آنها رسیدگی به گزارش‌های دولت‌های عضو است.

بند هفتم: منع و مجازات جرم نژاد پرستی

کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جرم نژاد پرستی آپارتاید ۱۹۷۳: این سند بین‌المللی در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ به موجب قطعنامه ۳۰۶۸ به تصویب مجمع عمومی رسیده و مطابق بند ۱ ماده ۱۵ آن، ۳۰ روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق، در ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۶ قدرت اجرایی پیدا نمود. این کنوانسیون در ادامه تلاش‌های سازمان ملل برای از بردن آپارتاید و سیاست نژاد پرستی و جدایی نژادی که در کشور آفریقای جنوبی وجود داشت به تصویب رسید. این سند شامل یک مقدمه و ۱۹ ماده بوده و به موجب ماده ۱ آن، آپارتاید و اعمال جدایی نژادی به عنوان جنایتی که ناقض اهداف و اصول منشور ملل متحد و تهدید جدی صلح و امنیت بین‌المللی است معرفی شده است. تدابیر اجرایی این سند شامل درخواست گزارش دوره‌ای از دولت‌ها می‌شود که در ماده ۷ آن مقرر گردیده است.

بند هشتم: منع شکنجه و رفتار یا مجازات خشن

کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن غیر انسانی یا تحقیر آمیز ۱۹۸۴: این سند در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ به موجب قطعنامه ۳۹/۴۶ به تصویب مجمع عمومی رسیده و وفق بند ۱ ماده ۲۷، سی روز بعد از تودیع بیستمین سند الحاق یا تصویب در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ لازم

الاجرا گردید. این سند شامل یک مقدمه و ۳۳ ماده بوده که ضمن تعریف شکنجه و جرم انگاری آن، دولت‌ها را متعهد به اقداماتی در راستای منع شکنجه و مجازات عاملین آنها و آموزش ممنوعیت شکنجه به مامورین و جبران خسارت قربانی شکنجه و... نموده است. تدابیر اجرایی مربوط به اجرای مقررات این کنوانسیون به وسیله کمیته‌ای به نام کمیته ضد شکنجه پی گیری می‌شود.

بند نهم: رفع تبعیض علیه زنان

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹: این سند بین المللی در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ بر اساس قطعنامه ۱۸۰/۳۴ مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید و وفق ماده ۲۷ در سوم سپتامبر ۱۹۸۱ سی روز پس از تودیع بیستمین سند الحاق یا تصویب قدرت اجرایی پیدا کرد. این کنوانسیون شامل یک مقدمه و ۳۰ ماده بوده و هدف اصلی از تدوین آن زدودن هر نوع تبعیض علیه زنان و تامین تساوی همه جانبه آنان با مردان است. تعریف تبعیض در ماده ۱ این سند ذکر شده و برقراری مساوات بین زنان و مردان در زندگی سیاسی و عمومی در سطح ملی (ماده ۷)، تساوی در زندگی سیاسی و عمومی در سطح بین المللی (ماده ۸)، تساوی در حقوق مربوط به تابعیت (ماده ۹)، تساوی در آموزش (ماده ۱۰)، تساوی در اشتغال حقوق و حقوق کار (ماده ۱۱)، تساوی در دستیابی به تسهیلات بهداشتی (ماده ۱۲)، تساوی در امنیت اقتصادی و اجتماعی (ماده ۱۳)، تساوی در امور مدنی و اهلیت قانونی (ماده ۱۵) در این سند به رسمیت شناخته شده‌اند. کمیته رفع تبعیض علیه زنان نیز جهت نظارت بر اجرای مقررات این کنوانسیون وفق ماده ۱۷ تشکیل شده است.

بند دهم: حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹): این سند در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به اتفاق آراء از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل گذشت و وفق ماده ۴۹، سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ قدرت اجرایی پیدا نمود. این سند شامل یک مقدمه و ۵۴ ماده بوده که در قالب سه بخش تدوین یافته و در بخش نخست آن تعریف کودک و انواع حقوق و تعهد دولتهای عضو برای رعایت حقوق کودکان بیان گردیده (مواد ۱-۴۱) و

در بخش دوم نیز مکانیزم اجرایی و نظارتی کنوانسیون و چگونگی تشکیل و ترکیب و نحوه عمل کمیته حقوق کودک بیان شده (مواد ۴۲ تا ۴۵) و بخش سوم نیز نحوه امضا تصویب و الحاق به کنوانسیون و اعلام حق شرط خروج از آن را تبیین نموده است. (مواد ۴۶ تا ۵۴)

بند یازدهم: رفع تبعیض علیه زنان

اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان (۱۹۶۷): این سند بین المللی در ۷ نوامبر ۱۹۶۷ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در یک مقدمه و ۱۱ ماده به تصویب رسید. هدف اصلی این اعلامیه حمایت از تساوی زنان با مردان و رعایت حقوق برابر زنان و مردان و رفع انواع تبعیض علیه زنان بوده است.

بخش سوم: بررسی و شناخت معاهدات حقوق بشر سازمان ملل متحد

تلاش برای امضای معاهدات بین المللی حقوق بشر در سازمان ملل نیز، به رغم وجود جنگ سرد، به پیش رفت. معاهده ضد نسل کشی (The Genocide Convention) در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید، و امروزه بیش از ۱۳۰ امضا کننده دارد. این معاهده نسل کشی را تعریف می کند و آن را در قوانین بین المللی جرم محسوب می کند. همچنین ارگان های سازمان ملل را موظف به پیش گیری و توقف نسل کشی می سازد و دولت ها را ملزم می کند که مواد مربوط به پیش گیری از نسل کشی را در قوانین ملی خود بگنجانند، و بکوشند اشخاص یا سازمان هایی را که بدان اقدام کرده اند مجازات کنند، و پیگرد اشخاص متهم به نسل کشی را میسر سازند. دادگاه جنایی بین المللی (The International Criminal Court) که بر اساس این معاهده در سال ۱۹۹۸ در رم بنیان گذاشته شده مرجع پیگرد قانونی نسل کشی، و نیز جنگ ها و جرائم علیه بشریت در سطح بین المللی است. طرح گنجاندن حقوق مندرج در UDHR در حقوق بین الملل نیز با گام هایی بس آهسته به پیش رفته است پیش نویس های کنوانسیون های بین المللی به سال ۱۹۵۳ برای تصویب تقدیم مجمع عمومی سازمان ملل شد. برای منظور کردن نظر کسانی که معتقد بودند حقوق اقتصادی و اجتماعی از اصول حقوق بشر نیستند، یا نباید به همان شیوه حقوق مدنی و سیاسی منظور شوند، دو معاهده توین شد: کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

International Covenant on Civil and Political Rights) یا ICCPR، سازمان ملل، ۱۹۹۶b) و کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights) یا ICESCR، سازمان ملل، ۱۹۶۶c). این معاهدات که تجلی حقوق UDHR بودند تا سال ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی نرسیدند و تا سال ۱۹۷۶ طول کشید تا مقبولیت کافی برای به اجرا در آمدن پیدا کنند. مضمون ICCPR اغلب حقوق مدنی و سیاسی است که در UDHR درج شده است. و مضمون ICESCR حقوق اقتصادی و اجتماعی مندرج در نیمه دوم UDHR است. در بازه زمانی میان امضای UDHR به سال ۱۹۴۸ و تصویب کنوانسیون های بین المللی توسط مجمع عمومی سازمان ملل به سال ۱۹۶۶، بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی، که به تازگی از بند استعمار رسته بودند ببه عضویت سازمان ملل در آمدند. اغلب این کشورها مایل به همراهی با رویکرد حقوق بشری بودند، اما آن را چنان تعبیر کردند که بازتاب علائق و مسائل مبتلا به شان، مانند لغو استعمار، انتقاد از تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی، و تقبیح تبعیض های نژادی در سراسر جهان باشد. کنوانسیون های بین المللی بازتاب این ملاحظات هستند؛ هر دو محتوی مواد یکسانی هستند که بر حق مردمان برای تعیین سرنوشت و کنترل منابع طبیعی خود تأکید می کنند. در این کنوانسیون ها به حقوق علیه تبعیض اولویت داده شد. و حقوق مالکیت و پرداخت خسارت اموالی که توسط دولت غصب شده از کنوانسیون ها حذف شده است.

کشوری که یک معاهده حقوق بشر ملل متحد را امضا می کند. متعهد می شود که حقوق مندرج در آنها را رعایت کنند. آن دولت همچنین تعهد می کند که مراقبت و انتقادات بین المللی در این زمینه را پذیرا و پاسخگو باشد. ICCPR توسط تقریباً ۱۵۰ کشور امضا شده است، و نشانگر نظام استاندارد سازمان ملل برای اعمال یک منشور حقوق بین المللی است. بر اساس این کنوانسیون یک سازمان، به نام کمیته حقوق بشر، ایجاد شده که وظیفه ارتقای هنجارهای مندرج در ICCPR است. هجده عضو کمیته حقوق بشر نماینده دولت های متبوع خود محسوب نمی شوند، بلکه به عنوان متخصصان مستقل در نظر گرفته می شوند.

این موقعیت به آنها امکان می دهد تا دیدگاه های تخصصی خود را آزادانه و بدون تقلید به مواضع دولت شان مطرح کنند. ICCPR بر خلاف ECHR برای تفسیر مفاد خود یک دادگاه بین المللی پیش بینی نکرده است. کمیته حقوق بشر می تواند دیدگاه های خود را در مورد اینکه یک عمل مشخص مصداق نقض حقوق بشر است یا خبر ابراز کند، اما فاقد صلاحیت برای انتشار گزارش های رسمی است (آلستون و کرافورد ۲۰۰۰).

ICCPR دولت های امضا کننده را ملزم می دارد که در مورد تعهدشان به این معاهده مرتباً گزارش دهند. کمیته حقوق بشر وظیفه دریافت، مطالعه و اظهار نظر انتقادی در مورد اینم گزارش ها را بر عهده دارد (بورفین ۱۹۹۹، مک گولدریک ۱۹۹۴). این کمیته جلساتی عمومی برای استماع نظرات سازمان های غیر دولتی مانند عفو بین الملل برگزار می کند. و با نمایندگان دولت های گزارش دهنده ملاقات می کند. آنگاه کمیته حقوق بشر "ملاحظات نهایی" خود را منتشر می کند که در آن تقید کشور گزارش دهنده به حقوق بشر ارزیابی می شود. این رویه مستلزم آن است که کشورهای امضا کننده ICCPR همکاری خود را با کمیته حقوق بشر حفظ کنند و مشکلات حقوق بشری خود را در معرض افکار عمومی جهانیان بگذارند. این روال گزارش دهی برای تشویق کشورها به تشخیص مشکلات حقوق بشری شان اتخاذ شیوه هایی برای رفع آنها در طی زمان مفید است. اما در مورد کشورهایی که تمایلی به گزارش دهی ندارند یا از آن جدی نمی گیرند، کارآمد نیست، و اغلب، نتایج کمیته حقوق بشر چندان توجهی بر نمی انگیزد (بایسفسکی ۲۰۰۱). ICCPR علاوه بر رویه گزارش دهی اجباری، حاوی بند جاگانه ایست که جداگانه امضا می شود. به موجب این بند، کمیته حقوق بشر صلاحیت دریافت، بررسی و وساطت در مورد شکایات افرادی را می یابد که معتقداند حقوق مندرج در ICCPR آنها توسط دولت متبوع شان نقض شده است (جوزف، شولتز و کاستان ۲۰۰۰). تا سال ۲۰۰۰، ۹۵ دولت از ۱۴۴ امضا کننده ICCPR این بند اختیاری را امضا کرده اند.

بخش چهارم: برپایی شورای حقوق بشر: گام نخست در اصلاح ساختار سازمان ملل متحد

یکی از دستاوردهای بزرگ سازمان ملل متحد ایجاد مجموعه ای کامل از قوانین حقوق بشر مورد حمایت جهانی بوده که همه ملتها بتوانند آن را بپذیرند و به آن بپیوندند. بنیاد این مجموعه قوانین، منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در ۱۹۴۵ و ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی رسیده است. در شش دهه ای که از تدوین و پذیرش منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر می گذرد، پیمانهای چند جانبه بسیاری در زمینه حقوق بین الملل بشر (Internationalhu – man Rights) تدوین شده به گونه ای که به باور پاره ای از صاحب نظران، حقوق بین الملل بشر دچار تورم هنجاری شده است زیرا اکنون بیش از دهها سند بین المللی (پیمان، اعلامیه و قطعنامه) در زمینه حقوق بشر وجود دارد. در این اسناد چند جانبه گونه های حقوق بشر روشن شده و مورد شناسایی جهانی قرار گرفته و در بسیاری از موارد، مکانیسمهایی برای نظارت بر اجرای آنها در نظر گرفته شده است. مهمترین و نخستین مکانیسم در سطح جهانی برای پی گیری اهداف حقوق جهانی بشر در سال ۱۹۴۶ در نخستین نشست شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد با عنوان کمیسیون حقوق بشر ملل متحد (United Nations Com –mission On Human Rights) بر پایه متن منشور، بویژه ماده ۶۸ آن، پا گرفت. وظیفه این کمیسیون پیشنهاد، توصیه و دادن گزارشهایی درباره حقوق بشر به مجمع عمومی از راه شورای اقتصادی و اجتماعی بود. کمیسیون حقوق بشر در بیش از نیم سده فعالیت خود خدمات چشمگیری به بهبود حقوق بشر در جامعه جهانی کرد که یکی از مهمترین و اصلی ترین خدمات آن تهیه و تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر (Universal Declaration of Human Rights) بود که در مجمع عمومی در ۱۹۴۸ به تصویب رسید. پس از گذشت سالها از پذیرش اعلامیه در مجمع عمومی همه دولتها این اعلامیه را تأیید کرده اند تا آنجا که اصول مندرج در آن اکنون در شمار حقوق بین الملل عرفی قرار گرفته و این اعلامیه «معیار مشترک» برای همه ملتها دانسته می شود. تا ۱۹۸۹ که قرار شد دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر برگزار شود،

کمیسیون مجموعه ای فراگیر از قواعد حقوق بین الملل بشر و نیز مکانیسمی بر پایه پیمانها و به موازات آن، سیستمی فراکنوانسیونی مشهور به «روشهای ویژه»، به دست داد.

کار سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر در این شش دهه بر آمیزه ای از نگرانی ها در زمینه نیاز به حمایت از شأن انسانها استوار بوده است. بنیانگذاران سازمان ملل متحد بر این باور بودند که احترام به حقوق اساسی بشر، عنصر اصلی پیدایش یک بافت اجتماعی نیرومند است و مشروعیت هر دولت به میزان رعایت (respect)، حمایت (protect) و تحقق (realize) حقوق شهروندانش بستگی دارد. از این رو، دولتهای عضو، مجموعه ای از حقوق بین الملل بشر را به دست دادند سپس در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیونها، پروتکها و توافقنامه های بعدی تدوین شد. ولی با وجود بیش از نیم سده تلاش جدی جامعه بین المللی برای بهبود وضع حقوق بشر که به گفته کوفی انان، دبیر کل سازمان ملل متحد، یکی از دستاوردهای سترگ در سده بیستم به شمار می آید، هنوز هم موارد نقض حقوق بشر در نقاط گوناگون جهان به اندازه ای است که بخشهایی از سازمان ملل که کار آنها بررسی و نظارت بر این موارد است، توان لازم را برای برخورد مناسب با آنها ندارند. از جمله این بخشها کمیسیون حقوق بشر بود که در سالهای پس از جنگ سرد، بویژه در هزاره تازه سخت مورد انتقاد واقع شده و درخواست برای اصلاح ساختار آن افزایش چشمگیر یافته بود.

بخش پنجم: نگاهی به کمیسیون حقوق بشر و ایرادهای آن

ارگانهای بین المللی حقوق بشر از نظر نوع و کار کرد به دو گروه کلی تقسیم می شود: الف) ارگانهای پدید آمده بر پایه منشور ملل متحد؛ ب) نهادهایی که بر پایه میثاقها و کنوانسیونهای بین المللی حقوق بشر موجودیت یافته است.

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در شمار ارگانهای مبتنی بر منشور ملل متحد بود که از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد بر اساس ماده ۶۸ منشور بنیاد نهاده شد.

کمیسیون حقوق بشر در ۱۹۴۶ با هدف تهیه طرح بین المللی حقوق بشر که در ۱۹۶۶ کامل شد، پدید آمد. شمار اعضای کمیسیون در پی افزایش اعضای سازمان ملل افزایش یافت به

گونه ای که شمار اعضای آن در ۱۸ عضو نخستین به ۲۱ عضو در ۱۹۶۱، ۳۲ عضو در ۱۹۶۶، ۴۳ عضو در ۱۹۷۹ و ۵۳ عضو در ۱۹۹۲ افزایش یافت.

یکی از انتقادهای جدی که از کمیسیون حقوق بشر می شد، ترکیب اعضای آن بود؛ بویژه اینکه گفته می شد که چند کشور عضو آن پیشینه بایسته ای در زمینه حقوق بشر ندارند و حتی در پاره ای دوره ها این کشورها به ریاست کمیسیون نیز برگزیده شده اند.

در ۴ مه ۲۰۰۴، سیشان سیو (Sichan Siv) نماینده آمریکا در کمیسیون حقوق بشر در اعتراض به گزینش سودان به عضویت کمیسیون، نشست آن را ترک کرد و این گزینش را پوچ و بی معنا خواند زیرا به باور او سودان با توجه به پاکسازی قومی در دارفور مشکل بزرگی در زمینه رعایت حقوق بشر دارد. در دوران فعالیت کمیسیون، بویژه پس از جنگ سرد، گروههای پویای حقوق بشر همواره نگرانی خود را از عضویت کشورهای چینی، کوبا، آمریکا، پاکستان، الجزایر، سوریه، لیبی و ویتنام ابراز می داشتند. این کشورها بارها به نقض حقوق بشر متهم شده اند و نگرانی اصلی همواره این بود که بر ضد قطعنامه های کمیسیون که نقض حقوق بشر از سوی آنها را محکوم می کرد، اقدام کنند که این امر به گونه غیر مستقیم استبداد و ستم داخلی آنها را شدت می داد.

یکی از آثار مهم گزینش سودان به عضویت کمیسیون، نبود تمایل در پاره ای از کشورها به همکاری با کمیسیون بود. آنها می گفتند در ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۴، شورای امنیت سازمان ملل بوده نه کمیسیون حقوق بشر که قطعنامه ای بر ضد سودان صادر کرده است مبنی بر اینکه اگر وضع در منطقه دارفور در ۳۰ روز آینده بهبود نیابد، خارطوم با تحریم روبه رو خواهد شد.

ایراد دیگری که به کمیسیون وارد می شد این بود که کمیسیون کمتر به نقض حقوق بشر در کشورهای صنعتی شمال از جمله شکنجه، بازداشت های خود سرانه، بر خوردهای نادرست و غیر انسانی با مهاجران و پناهندگان می پردازد.

بر پایه همین ایرادها، در سند پایانی نشست سران کشورهای عضو سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۰۵ توجه ویژه ای به مسأله حقوق بشر و ابزارهای اجرایی آن بویژه کمیسیون حقوق بشر

شد. در پاراگراف ۱۵۹ این سند مقرر شد که مکانیسم حقوق بشر سازمان ملل بویژه با تعهد به ایجاد یک «شورای حقوق بشر» که «باید نقض حقوق بشر از جمله نقض شدید و سیستماتیک را در نظر گیرد و توصیه های لازم را ارائه کند و همچنین هماهنگی مؤثر را بهبود بخشد و حقوق بشر را در نظر ملل متحد به جریان اندازد» تقویت شود.

در سند نشست سران کشورهای عضو سازمان ملل متحد به برپایی شورای حقوق بشر به جای کمیسیون حقوق بشر اشاره ای نشده و نیز درباره آیین کار، وظایف ویژه آن و ترکیب و روش گزینش اعضای آن سخنی به میان نیامده بود.

در پیش نویس نخستین سند آمده بود که «شورای حقوق بشر» به ارزیابی اجرای تعهدات حقوق بشری همه کشورهای خواهد پرداخت و اعضایش ۳۰ تا ۵۰ عضو گزینشی خواهند بود که با توجه به مشارکشان در بهبود حقوق بشر و پشتیبانی از آن برگزیده می شوند. بر پایه نخستین پیش نویس سند، اعضای شورا برای یک دوره سه ساله با دو سه آرای موافق اعضای مجمع عمومی سازمان ملل برگزیده می شدند.

در پاراگراف ۱۶۰ سند پایانی نشست سران، از رئیس مجمع عمومی خواسته شد که در آن مجمع گفتگوهایی با هدف تعیین جزئیات در مورد شورا ترتیب یابد.

بر همین اساس، گفتگوهایی میان نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل برای تعیین چگونگی شورای حقوق بشر با هدایت یان الیاسون، رئیس مجمع عمومی آغاز شد. سرانجام پس از پنج ماه گفتگوهای پرتنش، مجمع عمومی قطعنامه ۶۰/۲۵۱ را در مورد چگونگی برپایی شورای حقوق بشر با اکثریت چشمگیری در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ صادر کرد. این قطعنامه با ۱۷۰ رأی مثبت ع ۴ رأی منفی و ۳ رأی ممتنع پذیرفته شد. کشورهای بلاروس، ایران، و ونزوئلا به قطعنامه رأی ممتنع و ایالات متحده آمریکا، اسرائیل، جزایر مارشال و پائلو به آن رأی منفی دادند. این قطعنامه مقرر داشت که کمیسیون حقوق بشر در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۶ منحل و نخستین نشست شورا در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۶ برگزار شود.

نشستهایی که به ابتکار و هدایت رئیس مجمع عمومی سازمان ملل برای گفتگو و بررسی پیرامون زوایای گوناگون شورای حقوق بشر برگزار شد و سرانجام به صدور قطعنامه

۶۰/۲۵۱ رسید با بگو مگو و اختلاف نظرهای اعضای سازمان ملل بویژه کشورهای غربی و کشورهای در حال توسعه همراه بود. هر چند در درون این دسته بندی کلی مواضع تک تک کشورها نیز تفاوتهایی با هم داشت. اختلاف نظر کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را می توان در هفت بخش مهم برشمرد:

- ۱- کشورهای در حال توسعه خواستار گنجانده شدن حق توسعه در چارچوب صلاحیتهای شورای حقوق بشر بودند، اما کشورهای غربی بیشتر بر اعمال صلاحیت آن بر حقوق مدنی و سیاسی تأکید داشتند. سرانجام نظر کشورهای در حال توسعه در قطعنامه گنجانده شد.
- ۲- کشورهای در حال توسعه، بویژه گروه کشورهای آفریقایی، خواستار برابری شمار اعضای شورا با اعضای کمیسیون یعنی ۵۳ عضو بودند اما کشورهای غربی بر کاهش شمار اعضای شورا نسبت به کمیسیون پافشاری می کردند.
- ۳- کشورهای غربی بویژه آمریکا با کشورهای در حال توسعه بر سر در نظر گرفتن معیارهایی برای جلوگیری از عضویت پاره ای از کشورها اختلاف نظر داشتند (معیارهایی که توافقی بر سر آنها برای سنجش وضع حقوق بشری کشورها به دست نیامد). از دید کشورهای در حال توسعه همه ۱۹۱ عضو سازمان ملل حق نامزد شدن برای عضویت در شورای حقوق بشر را دارند.
- ۴- در رابطه با روش گزینش اعضاء، گروه کشورهای غربی و آمریکا بر آن بودند که فهرست نامزدهای عضویت نباید بر اساس مناطق جغرافیایی باشد و کشوری باید بتواند به عضویت شورا در آید که دو سوم آراء تمام اعضای سازمان ملل را به دست آورد. از سوی دیگر، کشورهای در حال توسعه خواستار آن بودند که شورا زیر نظر مجمع عمومی باشد. از دید آنها با توجه به چنین جایگاهی، شوراهمتر از با ارگانهای اصلی سازمان ملل نیست که برای عضویت در آن نیاز به دو سوم آرای مثبت اعضای سازمان ملل باشد. بر همین اساس، این گروه از

کشورها می گفتند که برای گزینش اعضای شورای حقوق بشر باید رأی مثبت اکثریت ساده اعضای سازمان ملل در نظر گرفته شود.

۵- درباره شمار نشستهای شورای حقوق بشر، کشورهای در حال توسعه بر این باور بودند که نشستهای ویژه شورا باید به هنگام ضرورت برگزار شود، نه بی دستور کار ضروری و روشن؛ اما کشورهای غربی بر این نظر بودند که نشستهای شورا باید بیش از نشستهای کمیسیون و در طول سال باشد.

۶- کشورهای در حال توسعه در مورد جای شورا در چارچوب سازمان ملل با تبدیل آن به یکی از ارگانهای اصلی سازمان مخالف بودند اما گروه کشورهای غربی با این امر موافق بودند و بر آن پافشاری می کردند. با این حال آنها می دانستند که اگر بخواهند این امر تحقق یابد منشور را اصلاح کنند. سرانجام گروه کشورهای غربی این نکته را که شورا زیر نظر مجمع عمومی باشد پذیرفتند اما قرار شد که پس از ۵ سال (سال ۲۰۱۱) درباره وضع آن بازنگری شود.

۷- در مورد به دست آوردن دو سوم آرای اعضای سازمان ملل برای پیوستن به شورای حقوق بشر که گروه کشورهای غربی بویژه امریکا پشتیبان آن بود، کشورهای در حال توسعه می گفتند کمتر کشوری خواهد توانست این شمار از آراء را به دست آورد و حتی کشوری مانند آمریکا هم نمی تواند بی بهره گیری از حربه هایی چون دادن رشوه، خریدن آراء یا ترساندن و تهدید چنین آراییی به دست آورد. این کشورها بر این اساس باور داشتند که تحقق این شرط بی کاربرد ابزارهای نامشروع کمتر امکان پذیر است.

بخش ششم: بررسی و نقد ساختار و کارکردهای شورای حقوق بشر

شاید مهمترین دگرگونی در مکانیسم اصلی سازمان ملل برای نظارت بر حقوق بشر، قرار گرفتن شورای حقوق بشر زیر نظارت بر حقوق بشر، قرار گرفتن شورای حقوق بشر زیر نظارت مجمع عمومی به جای شورای اقتصادی و اجتماعی باشد. این وضع تازه سبب می شود که موضوع حقوق بشر به حوزه سیاست و امنیت بین الملل نزدیکتر شود. این امر همچنین تأییدی بر این واقعیت است که جلوگیری از نقض حقوق بشر به گونه مستقیم بسته به صلح و امنیت بین المللی است. این واقعیت باید بر جایگاه شورای حقوق بشر به گونه ای اثر گذارد که مرکزیت بیشتری در تلاشهای جامعه بین المللی برای اجرا و تحقق استانداردهای حقوق بین الملل بشر پیدا کند. شورای حقوق بشر با اینکه در ابعاد گوناگون با کمیسیون حقوق بشر تفاوت دارد اما در پاره ای کار کردها با آن یکسان است که برای نمونه می توان موارد زیر را بر شمرد:

۱- استاندارد سازی. شورا نیز مانند کمیسیون وظیفه آماده سازی متن کنوانسیونها یا اعلامیه های تازه در زمینه تضمینها یا روشهای حقوق بشری ویژه برای اجرای اصول حقوق بشر را بر عهده دارد.

۲- نظارت بر وضع حقوق بشر در جهان و نشان دادن واکنش به نقض آن.

۳- بهبود وضع حقوق بشر از راه مطالعات و برگزاری سمینارها، فراخوانی کشورها برای تصویب پیمانهای حقوق بشری یا فراهم آوردن خدمات مشورتی و همکاریهای فنی در زمینه حقوق بشر.

۴- تشریح و تفسیر مسائل و موضوعات مفهومی با به کارگیری ابزارهای مطالعاتی، گروههای کاری، روشهای موضوعی ویژه و فعالیتهای استانداردسازی در پیوند با حقوق بشر از راه برگزاری نشستهای عمومی ای که سازمانهای غیر دولتی و نهادهای حقوق بشر ملی نیز اجازه مشارکت در گفتمانهای آن را داشته باشند.

با این حال شورای حقوق بشر ویژگی ها و کارهایی جدا از کمیسیون دارد که مهمترین آنها چنین است:

- ۱- برقراری یک مکانیسم بازنگری عمومی دوره ای. هر دولتی که به عضویت شورای حقوق بشر در می آید در دوران عضویتش مشمول این بازنگری خواهد شد. مقرر شده است چندو چون و روش اجرای چنین مکانیسمی از سوی شورا در نخستین سال موجودیتش تدوین شود.
- ۲- در صورت نقض شدید و سیستماتیک حقوق بشر، تعلیق عضویت باید با رأی دو سوم اعضای مجمع عمومی صورت گیرد. در فضای بین المللی کنونی این گزینه چندان عقلانی نمی نماید.
- ۳- عضویت، محدود به دو دوره پی در پی شده است. این تلاشی بوده است برای ایجاد فضای سالم و پویا در شورا. در کمیسیون، پاره ای از اعضا همیشه شده بودند؛ برای نمونه روسیه و هند از آغاز بر پایی کمیسیون از اعضای آن بودند؛ آمریکا تنها در سال ۲۰۰۲ برای یک سال از کمیسیون بیرون رفت و انگلیس نیز تنها در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۹۱ عضو کمیسیون نبود. اعضای شورای حقوق بشر با اکثریت ساده اعضای مجمع عمومی برگزیده می شوند که این شیوه فرق چندانی با ترکیبات کمیسیون ندارد. گزینش اعضای شورا نیز مانند کمیسیون بر پایه گروه بندیهای جغرافیایی - سیاسی است ولی بر عکس شیوه پیشین، گروههای منطقه ای فهرست نامزدهای خود را به دست نمی دهند بلکه هر کشور از هر گروه باید جداگانه نامزد عضویت در شورا شود و در صورت به دست آوردن آرای اکثریت ساده در مجمع عمومی می تواند به عضویت شورای حقوق بشر در آید.
- ۴- شورا در سراسر سال نشست خواهد داشت. هر چند در ۱۹۹۲ نیز مقرر شده بود که کمیسیون افزون بر نشست سالانه خود نشستهای ویژه داشته باشد و همین، کمیسیون را برای اقدام درباره پاره ای مواد ویژه چون مسائل یوگسلاوی (۱۹۹۲) و رواندا (۱۹۹۴) توانا کرد، اما کمیسیون همچنان پیشتر به برگزاری نشست سالانه خود که در ماههای مارس و آوریل هر سال برای شش هفته برگزار می شد. بسنده می کرد.

۵- شورا از نظر شمار اعضاء (۴۷ عضو) کمی کوچکتر از کمیسیون (۵۳ عضو) است. در شورا گروه آفریقا ۲ کرسی، گروه آمریکای لاتین و کارئیب ۳ کرسی و گروه اروپای غربی و دیگران ۳ کرسی کمتر از کمیسیون دارند و گروه منطقه ای آسیا و گروه اروپای شرقی هر کدام ۱ کرسی بیشتر از کمیسیون دارند. هر عضو سازمان ملل امکان برگزیده شدن به عضویت شورا را دارد اما اعضای سازمان ملل باید در گزینش نامزدها به مشارکت آنها در بهبود وضع حقوق بشر و پشتیبانی شان از حقوق بشر و گفته ها و تعهداتشان به اجرای حقوق بشر توجه کنند.

باید توجه داشت که در قننامه برپایی شورای حقوق بشر سازو کار روشنی برای سنجش اندازه پایبندی یک کشور به حقوق بشر پیش بینی نشده است و از این رو کشورهای عضو سازمان ملل هر یک باید بر پایه دیدگاههای ویژه خود وضع حقوق بشری کشورهای نامزد عضویت را بررسی کند و بر پایه همین دیدگاه نیز رأی دهد. پیش بینی نشدن معیارهای روشن برای سنجش وضع حقوق بشری نامزدان عضویت ناشی از اختلاف نظر کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته بر سر تعیین و تعریف معیارها بود. در سایه همین کاستی در قننامه بود که سازمانهای حقوق بشری بین المللی همچون عفو بین الملل و دیده بان حقوق بشر مجموعه اطلاعاتی را بر پایه معیارهایی که خود مهم می دانستند درباره کشورهای نامزد عضویت فراهم آوردند تا اعضای سازمان ملل با بررسی این اطلاعات به کشوری که شایسته تر برای عضویت است رأی دهند. برای نمونه دیده بان حقوق بشر پایگاهی اینترنتی طراحی کرد و پیشینه حقوق بشری کشورهای نامزد را بر پایه معیارهای پنجگانه زیر در آن قرار داد:

۱- گزارش های دیده بان حقوق بشر در باره رفتارهای نامناسب هر یک از کشورهای نامزد عضویت در شورا در زمینه حقوق بشر؛

۲- گفته ها و تعهدات اعلام شده از سوی دولت نامزد و بیانیه های آن به هنگام

تصویب قطعنامه برپایی شورا مجمع عمومی منتشر شده بود؛

۳- اینکه آیا کشور نامزد، پیمانهای حقوق بین الملل بشر را تصویب کرده است یا نه؛

۴- اینکه آیا دولت نامزد تاکنون از بازرسان حقوق بشر سازمان ملل برای دیدار از

کشور خود دعوت رسمی کرده است یا نه،

۵- اینکه وضع رأی دهی دولت نامزد به ۱۰ قطعنامه آخر پیرامون حقوق بشر

در مجمع عمومی چگونه بوده است و اگر کشور نامزد به تازگی عضو

کمیسیون حقوق بشر بوده، وضع رأی دهی اش درباره ۱۶ قطعنامه آخر

مربوط به حقوق بشر در مجمع عمومی چگونه بوده است.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت پس از نزدیک به پنج ماه

گفتگوهای پرتنش و فشرده سرانجام در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ قطعنامه برپایی شورای حقوق

بشر با اکثریت چشمگیر به تصویب مجمع عمومی رسید و در ۱۹ مه نیز گزینش اعضاء

انجام شد. اما جریان گفتگوها و رویدادهای پس از تویب قطعنامه، واقعیاتی در خور توجه

درباره ساختار و تعاملات درون جامعه جهانی را روشن ساخت. یکی از مهمترین واقعیات

این است که کشورهای در حال توسعه با توجه به سیستم «یک کشور - یک رأی و

اهمیت یافتن افکار عمومی جهانی، قدرت چشمگیری در تحمیل خواست و نظر خود بر

قدرتهای برتر به دست آورده اند اما این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که هنوز

هم قدرتهای بزرگ بر پایه توانمندیهایی که در زمینه های گوناگون بویژه زمینه مادی

دارند، می توانند به گونه چشمگیر بر تصمیمات جهانی اثر گذارند. چنین است که می

بینیم چشم پوشی ایالات متحده از نامزدی برای عضویت در شورای حقوق بشر واکنشها و

بازتاب گسترده داشته است زیرا پشتیبانی مادی و غیر مادی آمریکا از شورا می تواند اثر

بخشی آنرا به گونه چشمگیر افزایش دهد.

نکته شایان توجه دیگر در جریان برپایی شورای حقوق بشر، گرایش کشورهای در حال توسعه به رأی دهی مخفی در مجامع بین المللی است زیرا این گونه رأی دهی به سبب آگاه نبودن قدرتهای بزرگ از رأی آنها، از فشار وارد بر آنها می کاهد و با دست بازتر می توانند بر پایه خواست و منافع خود عمل کنند. نکته بارز دیگر در زمینه برپایی شورای حقوق بشر، قرار گرفتن آن زیر نظر مجمع عمومی است زیرا این جایگاه نشانه افزایش اهمیت حقوق بشر در چارچوب سازمان ملل و نزدیک شدن آن به بعد امنیت و صلح بین الملل است که پاسداری از آن برجسته ترین مأموریت سازمان است. این، به معنای پذیرش این واقعیت است که بهبود وضع حقوق بشر به گونه مستقیم هم علت و هم معلول صلح و امنیت بین الملل است و نکته پایانی اینکه تأکید کشورهای در حال توسعه بر گنجاندن شدن حق توسعه بعنوان یکی از حقوق مورد نظر در چارچوب صلاحیت شورای حقوق بشر نیز گویای تفاوت دیدگاههای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته درباره حق مهمتر و برتر است، زیرا از دید کشورهای توسعه یافته، حقوق مدنی و سیاسی و نظارت بر رعایت آن اهمیت بیشتری نسبت به دیگر حقوق از جمله حق توسعه دارد.

منابع و مآخذ

الف) کتب و مقالات فارسی

۱. ابراهیم گل، علیرضا، مسئولیت بین‌المللی دولت متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، شهر دانش، ۱۳۸۹، چاپ دوم
۲. انصاری، باقر، نقش قاضی در تحول نظام حقوقی، تهران، میزان، ۱۳۸۸
۳. برمزه، اوا، سازش میان جهانشمولی و تنوع در نظام بین‌الملل حقوق بشر، چهارچوبی نظری و روانشناختی، ترجمه محمد حبیبی مجنده، مرکز مطالعات حقوق بشر، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی «مبانی نظری حقوق بشر» قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۴
۴. دلاوری، رضا، فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، انتشارات دلاوری، ۱۳۷۸
۵. دلبروک، جوست، حمایت بین‌المللی از حقوق بشر و حاکمیت دولتها، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷
۶. دیهیم، علیرضا، درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۴
۷. راسخ، محمد، حق و مصلحت، تهران، طرح نو، ۱۳۸۷، چاپ سوم
۸. رهائی، سعید، آزادی دینی از منظر حقوق بین‌الملل با نگاهی به رهیافت اسلامی، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۹
۹. شایگان، فریده و دیگران، تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲
۱۰. شبت، ویلیام. ا، مقدمه ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه سید باقر میر عباسی، حمید الهوتی نظری، انتشارات جنگل، ۱۳۸۴

۱۱. ضیائی بیگدلی، محمد رضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰، چاپ چهل و یکم
۱۲. فرکمان، آنکه، گریش، توماس، دادگستری در آلمان، ترجمه محمد صادری توحید خانه، حمید بهرهمند بگ نظر، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲
۱۳. فلسفی، هدایت اله، حقوق بین‌الملل معاهدات، تهران، نشر نو، ۱۳۷۹
۱۴. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۸
۱۵. کارو، دومینگ؛ حقوق بین‌الملل در عمل، ترجمه مصطفی تقی زاده انصاری، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۵
۱۶. کک دین، نگوین، دینه، پاتریک، پله، آلن، حقوق بین‌الملل عمومی، مترجم: حسن حبیبی، جلد دوم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۳، چاپ دوم
۱۷. کلاپهام، اندرو، مقدمه ای کوتاه بر حقوق بشر، ترجمه مینو آقایی خوزانی، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۹
۱۸. مالوری، فیلیپ، اندیشه های حقوقی، ترجمه ی مرتضی کلانتریان، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۳
۱۹. محمد نسل، غلامرضا، مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، نشر دادگستر، ۱۳۸۵
۲۰. مشهدی، علی، صلاحیت تخیری، معاونت تحقیقات آموزش و حقوق شهروندی، ۱۳۹۱
۲۱. موراوتز، توماس، فلسفه حقوق مبانی و کارکردها، ترجمه ی بهروز جندقی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹
۲۲. بزرگی، وحید، «تحریمها و ملاحظات سیاسی و امنیتی در سازمان تجارت جهانی»، مجله سیاسی، اقتصادی، شماره ۲۸۲، بهمن و اسفند ۱۳۸۹

۲۳. بیگ زاده، ابراهیم، «حمایت کنسولی از اتباع»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیستم، شماره ۳، ۱۳۸۵
۲۴. پارسا، علیرضا، «رویارویی جهان گرایی و نسیت گرایی فرهنگی: چالش پایدار حقوق بشر»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۱۶۶-۱۶۵، ۱۳۸۰
۲۵. پوربافرانی، حسن، «ماهیت و انواع صلاحیت در حقوق بین الملل»، مجله مجتمع آموزشی عالی قم، سال چهارم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۸۱
۲۶. جلالی، محمود، «حل و فصل دعاوی سرمایه گذاری از طریق داوری ایکسید و ضرورت الحاق ایران»، الهیات و حقوق دانشگاه رضوی (آموزه های حقوقی)، سال چهارم، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۸۳
۲۷. جوانی، مارگریت، «نقش آراء دیوان بین المللی دادگستری در حفظ صلح و امنیت بین المللی»، مجله کانون و کلا، شماره ۱۸۸ و ۱۸۹، تابستان ۱۳۸۴
۲۸. حدادی، مهدی، «نظارت دادگاه های ملی بر اجرای حقوق بین الملل»، اندیشه های حقوق خصوصی، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۳
۲۹. ربیعی، علی، «امنیت ملی: مفهومی در حال تکوین»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هجدهم، شماره پنجم و ششم، بهمن و اسفند ۱۳۸۲
۳۰. زمانی، سید قاسم، «جایگاه قاعده آمره در میان منابع حقوق بین الملل»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۷۷
۳۱. زمانی، سید قاسم، پیری، حیدر، «کارکرد منافع ملی حیاتی در حوزه های انسانی حقوق بین الملل حقوق بشردوستانه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۹، پاییز ۱۳۹۱
۳۲. قاری سید فاطمی، سید محمد، «دیوان جدید اروپایی حقوق بشر»، مجله حقوقی، شماره ۲۵، بهار ۱۳۷۹

۳۳. موسی زاده، ابراهیم، مصطفی زاده، فهیم، «نگاهی به مفهوم و مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی عرفی»، فصلنامه بررسی های حقوق عمومی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

۳۴. میری، دلماس مارتی، «جهانی شدن حقوق، فرصت ها و خطرات»، ترجمه اردشیر امیر ارجمند، مجله حقوقی، شماره ۲۴، ۱۳۷۸

۳۵. ویژه، محمدرضا، «مفهوم تعهدات مثبت در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۱۳، پائیز ۱۳۸۳

الف) کتب و مقالات لاتین

1. Arnardóttir ,Oddný Mjöll , *Equality and Non-Discrimination Under the European Convention on Human Rights*, Martinus Nijhoff Publishers, ۲۰۲۰
۲. Benvenisti ,Eyal, Hirsch , Moshe, *The Impact of International Law on International Cooperation: Theoretical Perspectives*, Cambridge University Press, ۲۰۱۷
۳. Chinkin , C. , *Alternative Dispute Resolution under International Law*, International Dispute Settlement, Ashgate , Dartmouth , ۲۰۱۶
۴. Clayton , R. , Tomlinson , H. , *The Law of Human Rights*, Oxford, ۲۰۰۰
۵. Çoban , Ali Riza , *Protection of Property Rights Within the European Convention on Human Rights*, Ashgate Publishing, Ltd. , ۲۰۱۸
۶. Cotterrell, Roger B. M. , *The Sociology of Law* , Butterworths , London, ۲۰۲۱
۷. Cram, Laura, *European Union- Power and Policy Making*, London , Routledge. Crawford, Beverly ۱۹۹۶
۸. Daab ,Ulla Held, *Review of Administrative Decisions of Government by Administrative Courts and Tribunals* , National Report for the Federal Administrative Court of Germany, Leipzig, September ۲۰۰۹
۹. Dickinson , Rob, *Examining Critical Perspectives on Human Rights*, Cambridge University Press, ۲۰۱۲

۱۰. Dixon ,Martin, McCorquodale , Robert , Williams, Sarah ,
Cases and Materials on International Law, Oxford University
Press , ۲۰۱۱
۱۱. Erika ,De Wet, Jure Vidmar, Hierarchy in International Law:
The Place of Human Rights, Oxford University Press, ۲۰۱۲
۱۲. European Court of Human Rights, Dialogue between Judges
, ۲۰۱۰.
۱۳. Evans , Malcolm ,David , Manual on the Wearing of Religious
Symbols in Public Areas , Brill, ۲۰۱۷
۱۴. Fenwick , Helen , Kerrigan , Kevin , Civil Liberties & Human
Rights ۲۰۱۱-۲۰۱۲, Taylor & Francis, ۲۰۱۴
۱۵. Føllesdal , Andreas, Peters , Birgit, Ulfstein , Geir, onstituting
Europe: The European Court of Human Rights in a National,
European and Global Context, Cambridge University Press,
۲۰۱۳
۱۶. Freeman, Lawrence. The Concept of Security, Encyclopedia of
Government and Politics ,Vol. ۲, Psychology Press , ۱۹۹۲
۱۷. Gani , Miriam , Penelope , Mathew, Fresh Perspectives on the
'War on Terror', Anue Press, ۲۰۲۰.
۱۸. Gomien ,Donna , Harris ,David John , Zwaak , Leo , Law and
Practice of the European Convention on Human Rights and
the European Social Charter, Council of Europe, ۲۰۱۴
۱۹. Greer, Steven, The Margin of Appreciation: Interpretation and
Discretion under the European Convention on Human Rights,
Council of Europe Publishing, Strasbourg, ۲۰۱۰.